

سرمقاله

دورنمای افغانستان در سال ۲۰۱۶

حفیظ الله ذکی

در پانزده سال گذشته، سال ۲۰۱۵ بدترین و مایوس کننده ترین سال برای مردم افغانستان به شمار می رود. در این سال ناامنی گسترش پیدا کرد، گروه داعش ظهور کرد. جنایات هولناکی در بدخشان، کندز، زابل، غزنی، ننگرهار و سیایر ولایات به وقوع پیوست. مردم به فقر شدید گرفتار شدند. جوانان به جای مکتب و دانشگاه، سفر اروپا و سایر کشورهای خارجی را در پیش گرفتند. مسافران بی گناه به گروگان گرفته شدند، شاهراه ها به تونل مرگ تبدیل شدند. انسان های بی گناه و حتا زنان و کودکان بیرحمانه سر بریده شدند. ناپسمانی ها و ناهماهنگی های شدید در دستگاه های حکومتی، فرایند تصمیم گیری های کلان و به موقع را با چالش مواجه کرد. روند صلح علیرغم تلاش های حکومت به بن بست کشیده شد. فساد نه تنها از بین نرفت که به صورت بی سابقه گسترش یافت. سال دو هزار و پانزده برای مردم افغانستان، سال کشتار بیرحمانه و سال درد و رنج و شکنجه توانفرسا بود. ما در حالی به سال ۲۰۱۶ وارد می شویم که هنوز آسیب ها و تهدیدها به قوت خود باقی است و حکومت توانسته یک دورنمای روشنتری در زمینه امنیت، بهبود شرایط اقتصادی و سیاسی در کشور ترسیم کند. با این حال آیا سال پیشرو سال بدتر از سال گذشته خواهد بود؟ آیا بحران افغانستان عمیق تر و فراگیر تر خواهد شد؟ این تصور خیلی مایوس کننده است. مردم دیگر تاب تحمل حوادث هولناک را ندارند. مردم نمی خواهند در آتش خاموش فقر و بیکاری خاکستر شوند. مردم نمی خواهند گروه های هراس افکنی مانند طالب و داعش زندگی آنها را به بازی بگیرند. پس چه فاکتورهایی می توانند افغانستان را از بدبختی ها و گرفتاری های موجود رهایی بخشند؟

آغاز گفتگوهای صلح بهترین و خوشبینانه ترین موضوعی است که در آن سال ۲۰۱۶ به صورت واقعی تر از سوی حکومت افغانستان و پاکستان مطرح می شود. تجربیات ناکام سال های گذشته برای سیاستمداران افغانستان این توانایی را به وجود آورده که زوایا و جنبه های مختلف صلح یک دادوسی، واقعی و ماندگار را مورد توجه قرار دهند و مانند گذشته امکانات و فرصت ها را در یک بازی ناکام سیاسی بر باد ندهند و از سوی دیگر الزامات منطقه ای و بین المللی ایجاد می کند. تا طرف پاکستان نیز موضوع صلح و امنیت افغانستان را در محور منافع مشترک منطقه ای و بین المللی دارای اهمیت تلقی کند. خواست مشترک آمریکا و چین که هر دو کشور از حامیان استراتژیک پاکستان محسوب می شوند، امیدواری های زیادی را برای پیشرفت روند صلح ایجاد کرده است. اگر در گذشته پاکستان با سیاست های دوگانه، مذاکرات صلح را سبوتاژ می کرد و از قدرت نفوذ خود بر رهبران طالبان برای تحت فشار قراردادن حکومت افغانستان سود می برد؛ با کشیده شدن پای آمریکا و چین، سیاستمداران پاکستان ناچارند در ارتباط با مسایل امنیتی افغانستان موضع شفاف اتخاذ کرده و صادقانه تر از گذشته عمل کنند. پاکستان به خوبی می داند که اگر آمریکا و چین بخواهند، افغانستان و پاکستان به گونه مشترک در برابر تروریسم و گروه های هراس افکن مبارزه کنند، پاکستان چاره ای جز تن دادن به این خواست ندارد؛ زیرا این کشور در عرصه های نظامی و اقتصادی به شدت به کمک های آمریکا و چین وابسته است و بدون حمایت آنها نمی تواند ثبات و امنیت پاکستان را حفظ کند.

موضوع امیدوار کننده دیگر آغاز پروژه تابی یا کشیده شدن خط لوله گاز ترکمنستان از خاک افغانستان به کشورهای پاکستان و هند است. این موضوع هم از جنبه های اقتصادی و درآمذایی حایز اهمیت می باشد و هم از نظر کاهش بیکاری و به وجود آوردن زمینه های شغلی امیدوار کننده به نظر می رسد. اگرچه این پروژه با موانع و چالش های جدی مواجه می باشد، اما نیازمندی کشورهای دخیل، شاید بتواند اجرای این پروژه را حتمی سازد. به شرطی که حکومت جلوی فساد، غول مافیای اقتصادی و حضور گروه های تروریستی در مسیر خط لوله را گرفته بتواند.

پس از کنفرانس بن آلمان سال میلادی در افغانستان اهمیت یافت. بخش از اهمیت آن بر می گردد به حضور جامعه جهانی و برقراری روابط افغانستان با کشور های مختلف غربی. از این جهت، می توان وضعیت زندگی مردم افغانستان در سال ۲۰۱۵ را مورد بررسی قرار داد و چالش های مهم و اساسی فراروی سال ۲۰۱۶ را برشمرد. سال ۲۰۱۵ شاید سخت ترین و دشوارترین سال پس از امارات اسلامی طالبان در افغانستان بوده باشد. ناامنی ها در سراسر افغانستان گسترش یافت. داعش به عنوان یک گروه تروریست و دهشت افکن وارد افغانستان شد. گروه طالبان تهدیدات جدی متوجه قلمرو حاکمیت حکومت مرکزی نمود. اقتصاد با رکود شدید مواجه شد. هزاران شهروند کشور به خاطر ناامنی، بیکاری، فقر، ناامیدی به آینده و ... کشور را ترک نمودند و به کشورهای اروپایی رفتند. مسافری زیادی به مقصد نرسیدند و توسط گروه های دهشت افکن از مسیر راه ها دستگیر و گروگان گرفته شدند. این خلاصه نشان می دهد که سال ۲۰۱۵ سال دشواری بود. سال سراسر تاریک، نکبت بار و ناامید کننده. اکنون اما، ما به سال ۲۰۱۶ میلادی گام گذاشته ایم. سال جدید میلادی چگونه خواهد بود؟ آیا وضعیت تغییر می کند؟ آیا دشواری و سختی های سال ۲۰۱۵ میلادی تکرار نخواهد شد؟

امنیت: در سال پیش رو گروه داعش و گروه طالبان همچنان به جنگ خود در برابر حکومت افغانستان ادامه خواهد داد. گروه داعش دامنه و قلمرو فعالیت خود را گسترش خواهد داد. از این جهت، به احتمال زیاد دامنه جنگ و ناامنی گسترش خواهد یافت. به هر حال داعش یا بگنارد در همان جا آتش جنگ برافروخته خواهد شد. ممکن این جنگ میان نیرو های امنیتی و داعش باشد و ممکن میان گروه طالبان و داعش. به هر صورت، جنگ و خشونت همچنان گیربیرمان خواهد بود. با این حال، گسترش دامنه و قلمرو داعش بستگی به چند مسئله دارد. اول: اراده سیاسی نخبگان سیاسی در مبارزه با دهشت افکنی و تروریسم. واقعیت امر این

دشواری های سال نو میلادی

علی قادری



بروز را تأمین نماید. پروژه های دیگر نیز سرنوشت مشابه خواهد داشت. با این حال، نباید ناامید بود. همان طور که وضعیت امنیتی کشور بستگی به رفتار نخبگان سیاسی، جامعه جهانی دارد، وضعیت اقتصادی کشور نیز منوط به نخبگان سیاسی و جامعه جهانی است. مهاجرت گسترده شهروندان ادامه خواهد داشت. زیرا، تا هنوز هیچ نشانه ای مبنی بر بهبود وضعیت وجود ندارد. از این جهت افغانستان در سال ۲۰۱۶ همچنان به عنوان یکی از کشورهای تراز اول مهاجرت فرست خواهد بود. با این حال، در سال ۲۰۱۶ حکومت و نهاد های حکومتی به احتمال زیاد مسئولیت پذیرتر خواهد شد. با وجود فساد گسترده اما، آگاهی شهروندان و گلوگیری آن ها باعث خواهد شد که نخبگان سیاسی و مسئولین نظام با احتیاط تمام کار های خود را به پیش ببرند. دادخواهی ملی تبسم حداقل نشان این مسئله است. آن دادخواهی ملی نشان داد که مردم تا اندازه زیاد تغییر نموده است و دیگر نمی گذارد که نخبگان و مسئولین به شکل سابق عمل نمایند. این تحول اما، ریشه در آگاهی مردم دارد تا ریشه در وجدان کاری نخبگان سیاسی و مسئولین نهاد های حکومتی. بنابراین، فاصله زیادی تا شکل گیری وجدان جمعی داریم. در پایان این نوشتار باید یکبار دیگر متذکر شد که سال ۲۰۱۶ با توجه به قرآن و شواهد سال سخت و دشواری خواهد بود. با این حال، روزنه های امید وجود دارد. بهبود وضعیت در تمام عرصه ها بستگی به نخبگان سیاسی در مبارزه با دهشت افکنی و تروریسم دارد. اگر تفکیک میان تروریسم خوب و بد صورت نگردد. اگر برای حمله تملل نشود و سران گروه های دهشت افکن از درون نظام حمایت نشود، اگر از نیرو های امنیتی کشور حمایت شود، به احتمال زیاد نیرو های امنیتی بتوانند گروه طالبان و داعش را شکست بدهد. ما امید بیروزی و پایان دهشت و خشونت و زندگی مسالمت آمیز همه شهروندان کشور. سال نو میلادی مبارک.

دلیل: اول: گروه طالبان اگر چه با پاکستان متکوب کردن گروه داعش و یا گروه طالبان هیچ انگیزه ندارد. اگر نخبگان سیاسی جامعه ما با قاطعیت در پیشست نیرو های امنیتی کشور ایستادگی نماید، به احتمال زیاد وضعیت امنیتی کشور دگرگون خواهد شد. دوم: نیرو های امنیتی کشور در مبارزه با دهشت افکنی نیازمند جدی آموزش و تجهیزات می باشد. حکومت افغانستان با استفاده از دیپلماسی فعال اگر بتواند جامعه جهانی را متقاعد سازد که در تجهیزات نیرو های امنیتی کشور کمک نماید، نیرو های امنیتی کشور گروه داعش و طالب را متکوب خواهد کرد. به عنوان مثال: نیرو های امنیتی کشور در میدان جنگ نمی تواند پشتیبان هوایی داشته باشد. زیرا، نیروی هوایی نداریم. سرنوشت جنگ تا اندازه زیاد مربوط به وجود یک نیروی هوایی مجهز، ماهر و فعال است. پیش بینی نگارنده این است که گفتگوی صلح با گروه طالبان با فشار های چین و آمریکا بر پاکستان ممکن جدی دنبال گردد. اما گفتگو ها هیچ تأثیری بر وضعیت امنیتی کشور نخواهد گذاشت. به چند

روزنامه نگاری در روزگار نفرت پراکنی رسانه ای

توماس کامیلیندی / ترجمه: سپیده آریا/ قسمت دوم



و جزئی از جامعه هستیم. ما هم در عرصه خشونت می توانیم از سایرین پیشی بگیریم. ما هم می توانیم در زمره گروهی که مسئول خشونت هستند قرار بگیریم. به همین دلیل است که ما باید به عنوان گزارشگران بی طرفتر از همه باشیم. در آوریل ۲۰۰۳، در ساحل عاج به عنوان مهمان در سمینار "جنگ، صلح، رسانه" حضور داشتیم و در آنجا با خبرنگاران درباره زندگی در رواندا صحبت کردم. گفتم که بعضی گزارشگران در خشونت شرکت داشتند در حالی که بعضی نیز بر ضد آن سخن گفتند. یادآور شدم که ۴۸ روزنامه نگار به دلیل حرف هایشان بر ضد جنگ در رواندا کشته شدند. گزارشگران ساحل عاج از من سوال کردند: "چگونه بدایتیم کاری که انجام می دهیم اشتباه است؟" آنها پاسخ این سوال را نمی دانستند. برخی از آنان حتی به راه افراط کشیده شده بودند. یعنی بدون این که خودشان متوجه بشوند جزئی از همین رسانه های نفرت پراکن شده بودند. پس به آنها گفتم: "به آنچه که می نویسید نگاه کنید، به آنچه که می گویند گوش فراد دهید و خودتان را نقد کنید. اگر در سیاه نمایی ها و اتهام زنی به سایر نژادها و قبایل دست داشته اید پس در خشونت ها هم سهیم بوده اید."

همیشه با فکر دخترمان زندگی می کنیم و فکرش بخشی از زندگی من شده است. بعضی وقتها خودم را در اتاقی حبس می کنم و به یاد دخترم گریه می کنم. سخت است وقتی که بدانی ممکن بود کشته شوی ولی زنده ماندی اما فرزندت کشته شد. هر بار که به محل یادبود قربانیان قتل عام می روم و جمجمه ها را می بینم، نمی توانم جلوی خودم را بگیرم. آنها را نزدیک بود کشته شوم. آن دفعه سربازی که برای کشتن ام آمده بود، قبل از اینکه تفنگ را روی سرم بگذارد، اجازه داد که نامه ای بنویسم. همسرم آستن بچه سوم بود و نوشتیم اگر خدا بخواهد تو آن بچه را به دنیا خواهی آورد. آن زمان از فرزند اولمان خبری نداشتیم چون ما نبود. درباره هر سه فرزندمان نوشتیم و به همسرم گفتم که اگر زنده ماند زندگی خود را از نو شروع کند. گفتم که تنها نماند و به زندگی ادامه بدهد. سرباز به همه گفت که عقب بروند چون می خواست کار من را تمام کند. عجیب بود که اصلا نترسیده بودم و برای مرگ آماده بودم. ششبه یک رویا بود. سرباز تفنگ را به سمت من گرفت و به طور معجزه آسای در حالی که تفنگ روی شقیقه من بود یک تانک سر رسید. شبیه فیلم بود. فرمانده درون تانک خطاب به من فریاد زد: "تامس چه خبر است؟" برگشتم به او نگاه کردم و گفتم: "می خواهند مرا بکشند." فرمانده سرباز را منصرف کرد و من نجات یافتم ولی دخترم نجات پیدا نکرده بود. بعدها خبردار شدم که در راه رفتن به دیدار پدر بزرگ و مادر بزرگش به قتل رسیده است. برایم سخت است که وقایع زندگی را با بگذارم و فراموش کنم. من و همسرم

از من پرسیدند که ما چگونه زندگی می کنیم و اینکه چند نفر از ما آنجا هستیم. به آنها گفتم که حدود ۷۰۰ پناهنده هستیم و از استخری آب می خوریم که زمانی سربازها از آن برای شست و شوی لباسهایشان استفاده کرده بودند و سرانجام تبدیل به یک توالت شد. حالا ما باید این آب را می خوردیم بدون این که حتی بتوانیم آن را بجوشانیم. سوال کردند: "اوضاع از نظر تحولات نظامی چطور است؟" گفتم که در حقیقت نیروهای دولتی در حال اذیت دادن مواضع خود هستند. در همه نبردها دارند شکست می خورند. درباره قتل عام ها صحبت کردم. اگر چه آن وقایع شرح ناپذیر بودند، اما برای آنها توضیح دادم. هیچ کلمه درخوری برای توضیح پیدا نکردم. به عنوان یک روزنامه نگار می خواستم دنیا را



Footer containing contact information for The Daily Afghanistan, including phone numbers, email addresses, and social media links.